Archive of SID.ir

پژوهش و محارش کتب دانشگاهی
دوره بیست‌وشش، شمارهٔ ۵۰، بهار و تابستان ۱۴۰۱، ص ۱۳۶ـ۱۶۲
DOI: 10.30487/rwab.2022.547356.1491
DOR: 20.1001.1.26767503.1401.26.50.6.6

تحلیل کیفی؛ تألیفی و طراحی آموزشی کتاب *دروس تمهیدیه فی القواعد الفقهیه*

مریم اسمعیلی پرزان[۱]، فاطمه فلاح تفتی[۲]

(دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۰۲ ـ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۲۱، نوع مقاله: پژوهشی)

چکیده

در مسیر یاددهی و یادگیری، محتوا اهمیت بسیاری دارد. از همین رو، یکی از مواردی که لازم است در یک تحلیل آموزشی به آن توجه شود، تحلیل محتوای درسی است. کتاب‌های درسی لازم است به جز انطباق با موازین یاددهی-یادگیری، بر مبنای اصول تحلیل محتوا تدوین و گزینش و به شیوهٔ مناسب ارائه شده باشند. مطالعهٔ حاضر با هدف شناسایی و اعتباریابی این اصول در کتاب *دروس تمهیدیه فی القواعد الفقهیه* شیخ باقر ایروانی انجام گرفت. این کتاب تنها کتاب درسی‌ای است که براساس اصول و معیارهای تدوینی، تهیه شده و از دروس تخصصی مقطع سطح سه حوزه و کارشناسی ارشد دانشگاه است. روش پژوهش حاضر، تحلیل محتوای کیفی با دو شیوهٔ ارزیابی علمی ـ تألیفی و طراحی آموزشی و به گونهٔ توصیفی- تحلیلی است؛ بدین صورت که علاوه بر تحلیل محتوایی کتاب، به شناسایی و اعتباریابی اقتضائات تدوینی نیز پرداخته شد.

یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که این کتاب علی‌رغم آن‌که نسبت به کتاب‌های دیگری که در این زمینه نوشته شده، از ملاک‌های طراحی آموزشی برخوردار بوده ولیکن در رعایت مواردی در بخش مقدمات (مقدمه و فهرست مطالب) و پیکره درس (اهداف رفتاری، پیش‌سازمان‌دهنده، سؤالات میان‌متنی) ضعیف عمل کرده است و فاصلهٔ زیادی با استانداردهای تدوینی دارد و از لحاظ انطباق با معیارهای ارزیابی علمی ـ تألیفی نیز در سطح متوسطی قرار دارد.

واژه‌های کلیدی: کتاب درسی، *دروس تمهیدیه فی القواعدالفقهیه*، تحلیل کیفی، ارزیابی علمی ـ تألیفی، ارزیابی طراحی آموزشی

---

۱. دانش‌آموختهٔ دکتری رشتهٔ فقه و مبانی حقوق اسلامی، گروه فقه و حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران، (m.esmaeli0621@gmail.com)، نویسندهٔ مسئول
۲. استادیار رشتهٔ فقه و مبانی حقوق اسلامی، گروه فقه و حقوق، دانشکدهٔ الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

University Textbooks; Research and Writing
Vol. 26, No. 50, Spring & Summer 2022, 137-163
DOI: 10.30487/rwab.2022.547356.1491
DOR: 20.1001.1.26767503.1401.26.50.6.6

Qualitative Analysis; Compilation and Educational Design of the Book *Lessons of Preparation in the Rules of Jurisprudence*

Maryam Esmaeli Parzan[1], Fatemeh Fallah Tafti[2]

Received: 23/12/2021, Accepted: 11/05/2022

Abstract

In the path of teaching and learning, content is very important; therefore, one of the things that need to be considered in an educational analysis is the analysis of course content. Textbooks should be compiled and selected based on the principles of content analysis, in addition to adapting to teaching-learning standards, and presented in an appropriate manner. The present study was conducted with the aim of identifying and validating these principles in the book *Lessons of Preparation in the Rules of Jurisprudence* by Sheikh Baqir Irvani. This book is the only textbook that has been prepared based on the principles and criteria of compilation, and is one of the specialized courses for the three levels of the university and the master's degree. The method of the present research is qualitative content analysis with two methods of scientific-authorial evaluation and educational design in a descriptive-analytical manner. In this way, in addition to the content analysis of the book, the editorial requirements were identified and validated.

The findings of this study indicate that this book, despite having educational design criteria compared to other books written in this field, but in this case, has performed poorly and is far from the editorial standards and in terms of compliance. It is also at a moderate level with the criteria of scientific-authorial evaluation.

Keywords: textbook, preparation courses in jurisprudence, qualitative analysis, scientific-authorial evaluation, educational design evaluation

1. PhD Student in the Field of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Department of Jurisprudence and Law, Islamic Azad University, Mashhad, Iran, (m.esmaeli062@gmail.com) (Corresponding Author)
2. Assistant Professor of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Department of Jurisprudence and Law, School of Theology and Islamic Studies, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

مقدمه

برای ارتقای کیفیت فرصت یاددهی و یادگیری لازم است به مؤلفه‌ها و ویژگی‌های متعددی توجه کرد. به جز توجه به عوامل مختلف برون‌داد نظام آموزشی مانند ارتباط میان استاد و شاگرد و یا شاگردان با یکدیگر، توجه به ارکان مختلف درون‌داد این نظام، مانند استاد، شاگرد، مدرسه، تجهیزات و امکانات آموزشی، برنامهٔ درسی و ازجمله کتاب و محتوای درسی، بسیار اهمیت دارد (مشایخ، ۱۳۹۳، ص ۳۲). محتوا به‌عنوان یکی از عناصر مهم هر برنامهٔ درسی به گونه‌های متفاوتی تعریف شده است؛ برنامهٔ درسی‌ای که دربردارندهٔ دانش‌ها (حقایق، تبیین اصول تعاریف)، مهارت‌ها و فرایندها (خواندن، نوشتن، حساب کردن، تفکر منطقی، تصمیم‌گیری، ایجاد ارتباط) و ارزش‌ها (خوب و بد، صحیح و غلط، زشت و زیبا) است (ملکی، ۱۳۸۹، ص ۶۸) که فراگیران در فرایند یاددهی - یادگیری با آن در تعامل قرار می‌گیرند (نوریان، ۱۳۸۹، ص ۶۵). از همین رو، کتاب درسی مهم‌ترین رسانهٔ آموزشی در نظام تعلیم و تربیت محسوب می‌شود و در تألیف، تدوین و انطباق آن با استانداردهای لازم باید بسیار دقت کرد.

در محتوای درسی دو مطلب باید موردتوجه قرار گیرد: ماهیت محتوای کتاب درسی و چگونگی طراحی آموزشی آن. میان این دو باید تفاوت قائل شد و هر کدام را به‌طور جداگانه موردبررسی قرار داد، زیرا ماهیت محتوا، حوزهٔ نظریه‌های برنامهٔ درسی را شامل می‌شود و اصول و ضوابطی که در تدوین محتوای یک کتاب درسی باید درنظر گرفته شود، عبارت‌اند از: تناسب محتوا با سرفصل و اهداف آموزشی، مفاهیم، اصول و قوانین هر علم، انطباق با زمان آموزشی، زیرساخت علوم مختلف، انسجام و توالی مناسب مطالب، پروراندن مفاهیم اساسی و روش‌ها، توجه به لزوم ارائهٔ محتوای متنوع و منعطف، تناسب محتوا با شرایط و نیازهای روز جامعه و فراگیران، توجه به استفاده از سایر نظریات و تئوری های موجود، واداشتن فراگیران به تأمل و تعمق در متن و نیز مباحثات گروهی. در حالی که طراحی آموزشی عبارت از یک الگوی منظم و مشخصی است سنجیده و منطقی که می تواند مختصات محتوا را با درنظرگرفتن عوامل و متغیرهایی خاص مانند ایجاد آمادگی و انگیزه در مخاطبان کتاب، استفاده از آموخته‌ها و تجارب گذشتهٔ آن‌ها، فعالیت‌های تکمیلی و ... ترسیم کند تا جدای از ایجاد انگیزه و ترغیب در فراگیران برای مطالعهٔ کتاب، یادگیری معناداری را نیز فراهم کند (ملکی، ۱۳۹۲؛ فرمهینی فراهانی، ۱۳۷۸، ص ۱۰۴ـ۱۰۵). بنابراین نقد و ارزیابی یک کتاب درسی و انطباق آن با معیارهای تدوینی و

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

پیرو آن شناخت مزایا و کاستی‌های کتاب درسی، می‌تواند به برنامه‌ریزان و مدونان در رفع نواقص و ارتقای مزایا و در نتیجهٔ آن، پیشرفت فرایند یاددهی و یادگیری بسیار کمک‌کننده باشد.

یکی از کتاب‌هایی که نیاز به تحلیل و ارزیابی دارد، کتاب *دروس تمهیدیه فی القواعد الفقهیه* نوشتهٔ شیخ باقر ایروانی است که با توجه به آن‌که از یک طرف، تنها کتاب درسی است که سعی شده است مطابق با معیارهای تدوینی، توسط مدونان مرکز برنامه‌ریزی کتب درسی حوزهٔ علمیه تدوین شود و از طرف دیگر، یک درس تخصصی است که در دو ترم مشتمل بر چهار واحد درسی در مقطع سطح سه آموزشی رشتهٔ فقه و اصول حوزهٔ علمیه خواهران و همچنین در برخی از دانشگاه‌ها در رشتهٔ فقه و مبانی حقوق اسلامی، تدریس می‌شود، این کتاب برای تحلیل و ارزیابی انتخاب شده است.

در این تحقیق، با روش توصیفی ـ تحلیلی، پس از مبانی نظری و توصیف اجمالی از کتاب مزبور، دو مسئلهٔ عمده به‌طور جداگانه موردبررسی قرار می‌گیرد: اول این‌که این کتاب تا چه حدی مبتنی بر معیارها و استانداردهای ارزیابی علمی ـ تألیفی است؟ دوم آن‌که تا چه حدی منطبق بر الگو و مؤلفه‌های طراحی آموزشی است؟

مبانی نظری و پیشینهٔ پژوهش

الف) توصیف اجمالی کتاب دروس تمهیدیه فی القواعد الفقهیه

کتاب *دروس تمهیدیه فی القواعد الفقهیه* اثر آیت‌الله باقر ایروانی، از استادان برجستهٔ فقه و اصول حوزه‌های علمیهٔ قم و نجف است که به جز این کتاب، دارای آثار تألیفی چاپ‌شدهٔ بسیاری است؛ مانند *کفایة الأصول فی أسلوبها الثانی*، *دروس تمهیدیة فی الفقه الإستدلالی*، *دروس تمهیدیة فی القواعد الرجالیة*، *دروس تمهیدیة فی تفسیر آیات الأحکام*، دروس فی علم *الأصول (الحلقة الأولی، الحلقة الثانیة و الحلقة الثالثة فی أسلوبها الثانی)*.

این کتاب، توسط ادارهٔ کل برنامه‌ریزی و تدوین متون تحصیلی مرکز نشر هاجر، برای اولین بار در سال ۱۳۹۷، با درنظر گرفتن اسلوب تدوینی در قطع وزیری و در دو جلد منتشر شده است و به‌عنوان کتاب درسی برای طلاب سطح سه رشتهٔ فقه و اصول و دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد رشتهٔ فقه و مبانی حقوق اسلامی برخی از مراکز آموزش عالی تدریس می‌شود.

جلد اول مشتمل بر ۲۶۴ صفحه و دارای یک مدخل و شش قاعدهٔ فقهی (لاتعاد،

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

فراغ و تجاوز، اصاله الصحه، ید، لاضرر، و نفی حرج) است. جلد دوم نیز متضمن ۲۵۲ صفحه و ده قاعدهٔ فقهی (طهارت، سوق مسلمین، سلطنت، میسور، علی الید، غرور، قرعه و استخاره، الزام، اقرار، و فراش) است.

اجرای فرایند یادگیری مؤثر، مستلزم پیش‌بینی متون و محتوای منسجم است، اما قبل از آن، سطح‌بندی یادگیری فراگیران بسیار اهمیت دارد، زیرا فراگیران از رویکردها و سطوح مختلفی نسبت‌به یادگیری برخوردارند که این رویکردها ممکن است سطحی، عمیق و یا استراتژیک باشند. رویکرد سطحی، که هدف و حیطهٔ آن، آشنایی با مفاهیم اولیه و کلیات یک علم است؛ رویکرد عمیق یا مرحلهٔ شناخت و توانایی‌دهنده که هدف و قلمرو آن، کاربرد و تحلیل اطلاعات آموخته‌شده در سطح قبلی است؛ و رویکرد استراتژیک یا فراشناختی که هدف و سطح آن، ارزشیابی و نظریه‌پردازی از آموخته‌های قبلی است (گروه مؤلفان، ۱۳۹۶، ص ۷۸ و ۱۰۰؛ فخری و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۶۹). با توجه به محتوای تحلیلی کتاب و اهمیت آن به تکنیک‌های تحقیق، تحلیل و کاربرد قواعد فقهی در مقام استنباط احکام شرعی، می‌توان دریافت که این کتاب در جایگاه سطح توانایی و شناخت قرار دارد و ازهمین‌رو، این کتاب در مقطع سطح سه حوزه و کارشناسی ارشد برخی از مراکز عالی تدریس می‌شود.

ب) جایگاه کتاب دروس تمهیدیه فی القواعد الفقهیه

علم فقه از وسیع‌ترین و مشهورترین علوم اسلامی است که از کتاب و سنت نشئت گرفته شده و در عین حال، به پیدایش علوم دیگری مانند علم رجال، علم اصول فقه و قواعد فقهی نیز منجر شده است. علی‌رغم آن‌که قواعد فقهی در کنار علم فقه به‌وجود آمده، لیکن این قواعد نقش بزرگی در رشد علم فقه دارند، چنان‌چه دارای سابقهٔ طولانی نیز در پیدایش فقه اسلامی شیعی و عامی هستند (اسماعیلی، ۱۳۹۶، ص۱۴). بنابراین همهٔ فقها و مجتهدان برای فهم احکام شریعت به‌جز دانش اصول فقه و علم فقه نیازمند سازوکارهای دیگری مانند قواعد فقهی نیز هستند. ازهمین‌رو، قواعد فقهی عبارت از گزاره‌های عامی هستند که می‌توان در پرتو آن‌ها به احکام شرعی بسیاری رسید.

در زمینهٔ قواعد فقهیه کتاب‌های بسیاری به زبان عربی و فارسی نگاشته شده است، ازجمله *القواعد الفقهیه* مکارم شیرازی، محمدفاضل لنکرانی، محمدتقی فقیه و محمدجواد مصطفوی (به زبان عربی)، عمید زنجانی، محقق داماد، محمد بجنوردی (به زبان فارسی)، اما مهم‌ترین آن‌ها، کتاب *القواعد الفقهیه* تألیف سید محمدحسن موسوی بجنوردی به زبان

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

عربی است که در آن، مؤلف تدوین قواعد فقهی را به اوج کمال خود رسانده است و تاکنون کتابی که از جهت سندی، دلالی و موردی با این کتاب برابری کند، تألیف نشده است. نویسندهٔ آن کتاب، به‌طور مفصل به ۶۴ قاعده فقهی پرداخته است. هیچ‌یک از کتاب‌های دیگری که در زمینهٔ قواعد فقه نوشته شده است، از جهت عمق و دامنه به کتاب علامه بجنوردی نمی‌رسد (اسماعیلی، ۱۳۹۶، ص ۱۵ـ۱۷).

یکی از کتاب‌هایی که در این زمینه به زبان عربی نوشته شده، کتاب *دروس تمهیدیه فی القواعد الفقهیه* نوشتهٔ باقر ایروانی است که اگرچه از لحاظ تعداد قواعد و تفصیل آن‌ها به کتاب *قواعد فقهیه* علامه بجنوردی نمی‌رسد، لیکن تنها کتاب درسی است که توسط مرکز نشر هاجر، مطابق با برخی از مقوله‌های یک کتاب درسی و اقتضائات طراحی آموزشی تدوین شده است. علاوه‌برآن، این اثر قواعد مهم و پرکاربرد فقهی و حقوقی موردنیاز فراگیران در عرصهٔ عبادات، معاملات و خانواده را به‌طور کامل و مستوفی تبیین کرده است که موجب امتیاز این کتاب از کتاب‌های دیگر قواعد فقهی می‌شود. ازجمله مزایای دیگر این کتاب، آوردن نمونه‌های مختلف بسیار در پایان هر قاعده و واداشتن فراگیران به تأمل و تفکر است که حکایت از تسلط و احاطهٔ علمی نویسنده به فضای قاعدهٔ فقهی موردبحث و همچنین دغدغهٔ او به تفکر و اندیشیدن مخاطبان کتاب دارد.

پیشینهٔ پژوهش

در زمینهٔ تحلیل و ارزیابی کتاب‌های درسی حوزوی و دانشگاهی، پژوهش‌های متعددی انجام شده که به تحلیل کیفی و به‌ندرت به تحلیل کمّی پرداخته‌اند. در این تحقیق، از شیوهٔ ارزیابی کیفی استفاده شده است. در نقد کتب نگارش‌شده در قواعد فقه، نیز چند تحقیق انجام شده است، اما پژوهشی که معیارهای طراحی یک کتاب درسی را احصا کرده باشد، یافت نشد. باوجوداین، به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. محقق داماد و همکاران (فصلنامهٔ نقد کتاب فقه و حقوق، شمارهٔ۲ و ۳، ۱۳۹۶) در پژوهش خود با عنوان «کاربرد قواعد فقه قضایی در حقوق خانواده در بوتهٔ نقد» به بررسی کتاب *کاربرد قواعد فقه قضایی در حقوق خانواده* تألیف خدیجه مرادی و همکاران پرداخته است. ایشان پس از مطالعهٔ مقدمهٔ مقاله و بیان کاستی‌های آن در تبیین مفاهیمی نظیر قواعد فقه، خانواده، جایگاه و اهمیت آن در حقوق خانواده، متن کتاب را به جهت آن‌که فقط کلیات هر قاعده را بیان کرده و موانع و محدودیت‌های اعمال آن‌ها را موردبررسی قرار نداده، ناقص و ناکارآمده معرفی کرده است.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۲. ویسی مولوی (فصلنامهٔ نقد کتاب فقه و حقوق، شمارهٔ ۱، ۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان « نگاهی دوباره به قواعد فقهی» به نقد و ارزیابی کتاب *قواعد فقهی مذهب شافعی* تألیف سالم افسری تنها با رویکرد اصلاحی انتقادی بدون توجه به اسلوب و مؤلفه‌های نقد و ارزیابی، به تحلیل مؤلفه‌های علمی ـ تألیفی این یک کتاب درسی پرداخته است و ازجمله ویژگی‌های بارز و مثبت این کتاب را انطباق کامل آن با اهداف آموزشی و داشتن ساختار منظم در ارائهٔ مطالب دانسته است.

۳. عظیمی (فصلنامهٔ نقد کتاب فقه و حقوق، شمارهٔ ۱، ۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «مبنایی برای مبانی قوانین مدنی» به بررسی کتاب *قواعد فقهی بخش مدنی* تألیف سید مصطفی محقق داماد پرداخته است و آن را منطبق با برخی از معیارهای ارزیابی علمی ـ تألیفی (مانند چگونگی تبیین محتوای کتاب، استفاده از منابع معتبر و متعدد، ذکر منابع و رفرنس‌دهی، استفاده از نمونه‌های متعدد، تناسب با زندگی واقعی یادگیرندگان و منطبق با زمان) موردبررسی قرار داده است.

۴. شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی، کتاب *قواعد فقه* تألیف آیت‌الله عباسعلی عمید زنجانی را تنها از لحاظ شکلی و محتوایی بررسی کرده و آن را به‌جهت تفصیلی بودن و طرح جزئیات بسیار، مناسب دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری دانسته است.

۵. شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی، کتاب *قواعد فقه* تألیف محقق داماد را مورد ارزیابی کلی قرار داده و آن را به جهت تحلیلی بودن مطالب، مناسب مقطع کارشناسی ارشد دانسته، ولی از جهت رعایت اصول نگارشی، نامناسب معرفی کرده است.

همان‌طور که گفته شد، تحقیق حاضر، کتاب *دروس تمهیدیه فی القواعد الفقهیه* را مورد تحلیل کیفی قرار داده است. آنچه این مقاله را از مقالات دیگر متمایز می‌کند آن است که اولاً، در این تحقیق، یک کتاب درسی که در مقاطع سطح سه حوزه و کارشناسی ارشد برخی از مراکز آموزش عالی تدریس می‌شود، برای تحلیل و ارزیابی انتخاب شده است. البته این کتاب، قبل از انتخاب به‌عنوان یک کتاب درسی، توسط گروه مدونین اداره کل برنامه ریزی و تدوین متون درسی مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران، منطبق با الگو و معیارهای طراحی آموزشی تدوین شده است؛ ثانیاً، در این نوشته از روش تحلیل کیفی که عبارت از یک تحلیل عینی، نظام‌مند و هدف‌داری است استفاده شده است و از هردو راهکاری که در این روش تحلیل محتوایی وجود دارد، ارزیابی علمی ـ تألیفی و ارزیابی طراحی آموزشی بهره برده شده و سعی شده است تمامی شاخص‌ها و تکنیک‌های علمی ـ تجربی، در یک تحلیل محتوای کیفی مورد توجه قرار گرفته شده و یک ارزیابی

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

علمی و مستند، به مجامع علمی، برنامه‌ریزی و مدونان ارائه شود تا با شناخت نقاط قوت و ضعف این کتاب درسی، مبادرت به اصلاح، تعدیل و تکمیل آن برآیند.

روش

پژوهش حاضر از نوع تحقیقات کیفی و کاربردی است. تحلیل محتوای کیفی را می‌توان روش تحقیقی برای کشف، شناسایی، توصیف و تفسیر ذهنی محتوایی داده‌های متنی و عوامل و ویژگی‌ها معرفی کرد. (فانیدپور و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۲۲۳؛ ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰، ص ۱۷). این روش در جایی که تحلیل کمّی که عبارت از یک شیوهٔ نظام‌مند، عینی و عددی برای اندازه‌گیری متغیرها و تجزیه و تحلیل آن‌ها است (هرندی و همکاران، ۱۳۸۷، ص۳۹ـ ۴۲) به محدودیت‌هایی می‌رسد، قدرت و امتیاز خود را نشان می‌دهد. تحلیل کیفی را می‌توان یک رویکرد تجربی، روش‌شناسانه و کنترل‌شدهٔ مرحله به مرحله با رعایت عناصر و متغیرهای موردمطالعه درنظر گرفت. بنابراین، تحلیل محتوای کیفی به محققان اجازه می‌دهد اصالت و حقیقت داده‌ها را به گونهٔ ذهنی ولی با روش علمی تفسیر کنند (ایمان، ۱۳۸۹، ص ۱۷۲؛ ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰، ص ۱۷).

برای تحلیل کیفی محتوای یک کتاب، راهکارهای مختلفی وجود دارد؛ ازجمله ارزیابی علمی ـ تألیفی و ارزیابی طراحی آموزشی که در هردو با استفاده از معیارها و تکنیک‌های مختلف، نمونه‌های کیفی و هدف‌داری از محتوای آموزشی یا پژوهشی انتخاب و مورد دقت و بررسی قرار می‌گیرد (رنجبر، ۱۳۹۱، ص ۴۲۰).

در این نقد و تحلیل، هر دو شیوهٔ ارزیابی کیفی، علمی ـ تألیفی و طراحی آموزشی[۱] مورد توجه قرار گرفته شد. در شیوهٔ ارزیابی علمی ـ تألیفی، با استفاده از روش مرحله‌ای که در تحلیل کیفی وجود دارد، پس از انتخاب کتاب با توجه به آن‌که یک کتاب تخصصی مقطع سطح سه حوزه و کارشناسی ارشد دانشگاه است و انتخاب معیار تحلیل در هریک از دو شیوهٔ ارزیابی (علمی ـ تألیفی و طراحی آموزشی) با کنترل درون‌متنی تفکیکی هریک از واحدهای ارزیابی و آوردن نمونه، به تفسیر نتایج پرداخته شد. در شیوهٔ تحلیل طراحی آموزشی نیز، ارزیابی در سه بخش شکلی، مقدماتی، پیکرهٔ درس و پایانی، در ضمن توجه به واحدهای تحلیل در هریک از بخش‌های نامبرده و کنترل درون‌متنی، نتایج مورد دقت و بررسی قرار گرفته شد.

۱. هر یک از این دو شیوه، در قسمت مربوط به خود تبیین می‌شود.

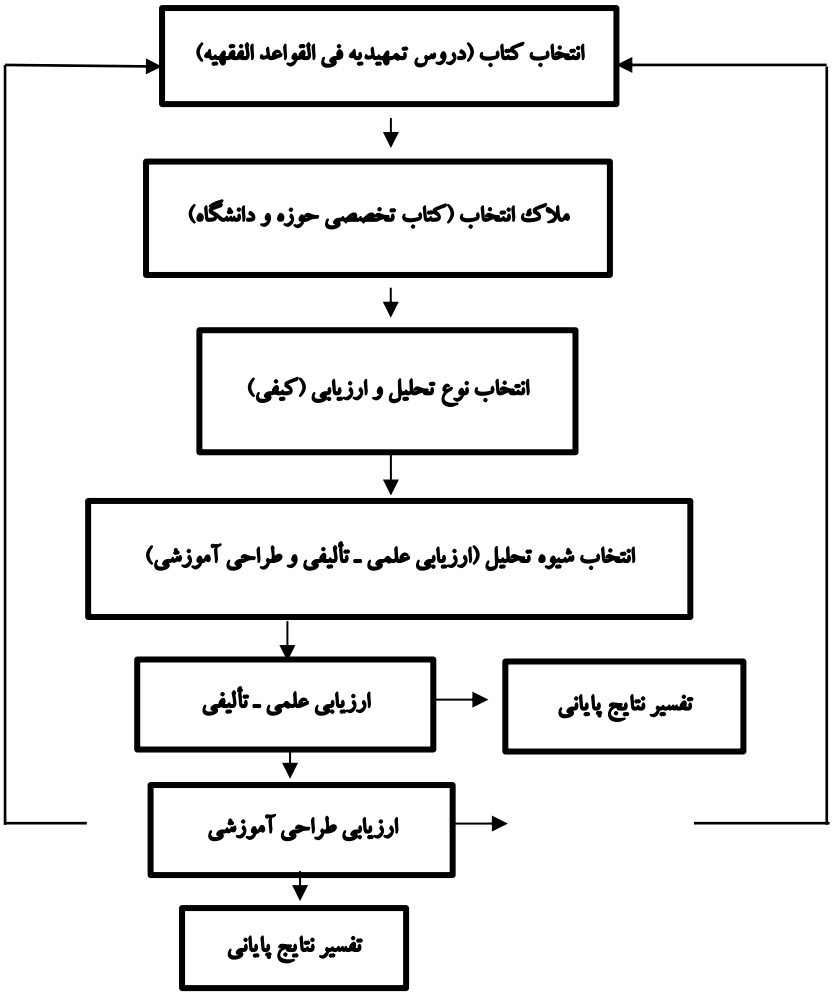
Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

یافته‌ها

تحلیل و ارزیابی کتاب *دروس تمهیدیه فی القواعد الفقهیه*

بدیهی است زمانی که پژوهشگر تصمیم به نقد و تحلیل محتوای یک کتاب می‌گیرد، لازم است در گام اول نوع تحلیل محتوا و پس از آن روش و شیوهٔ تحلیل را انتخاب کند تا بتواند براساس آن، مقوله‌ها و پارامترهای تحلیل را مورددقت قرار دهد تا به کار درون‌متنی و جمع‌آوری داده‌ها درنهایت به تفسیر و تحلیل نتایج و برآوردهای خود برسد (مؤمنی راد و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۱۹۲).



نمودار ۱ مدل مرحله‌ای تحلیل کیفی کتاب *دروس تمهیدیه فی القواعد الفقهیه*

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

قسمت اول: ارزیابی علمی ـ تألیفی

بدیهی است کتاب درسی به‌عنوان یکی از پرکاربردترین و مهم‌ترین رسانه‌های آموزشی در نظام‌های آموزشی، لازم است از ویژگی‌هایی چون توالی مطالب در یک خط و سیر مشخص و منطقی، تناسب با توان ذهنی فراگیران، توجه به نیازهای آن‌ها و جامعه، چگالی و اعتبار مفاهیم درسی، توجه به مبانی دینی و فرهنگی جامعه و ... برخوردار باشد که تمامی این موارد، باید در تحلیل علمی و تألیفی یک کتاب درسی توجه شود.

معیارهای تحلیل علمی ـ تألیفی

۱) اتقان (خطاناپذیری) و اعتبار (روایی) محتوا

مهم‌ترین ویژگی محتوای مناسب، اتقان و اعتبار محتواست؛ بدین معنا که متن از یک جامعیتی خاص برخوردار باشد؛ به‌گونه‌ای که تمامی مطالب کتاب، از یک طرف در راستای هدف کلی کتاب و از طرف دیگر با یکدیگر متناسب و مرتبط با هم باشند. نه آن‌که به‌صورت گزینشی و بدون هدف بیان شده باشند، بلکه محتوای کتاب در عین داشتن انسجام و استحکام، به‌صورت مستدل و مستند تبیین و تفهیم شده باشد.

مهم‌ترین ملاک‌های اتقان و اعتبار محتوا را می‌توان چنین برشمرد:

الف) داشتن جامعیت: اگرچه بخش مدخل این کتاب، از جامعیت لازم برخوردار نیست، بهتر بود نویسنده در این بخش، به‌جز تعریف قاعدهٔ فقهی، قاعدهٔ اصولی و مسئلهٔ فقهی، به مفهوم‌شناسی عناوین و مصطلحات خاص دیگری نیز، که در مباحث متعددی از قواعد فقهی بیان شده است، می‌پرداخت، نظیر اصل، اماره، مقتضی، مانع، شرط، علت، سبب، حق، و حکم. اما در بخش قواعد فقهی که در کتاب آورده شده است، می‌توان گفت این کتاب به گونهٔ جامع عمل کرده است. البته مقصود از جامعیت در اینجا بدین معنا نیست که کتاب دارای جایگاهی برای گردآوری همهٔ قواعد فقهی باشد، بلکه بدین معناست که نویسنده سعی کرده با توجه به هدف کلی کتاب که آموزش قواعد مهم و پرکاربرد فقهی و همچنین اهداف جزئی هر فصل که مربوط به یک قاعدهٔ فقهی است، غالب مسائل و جزئیات مرتبط با آن قاعده را که در کتاب‌های شاخص قواعد فقه دیگر ازجمله *القواعدالفقهیه* میرزا حسن بجنوردی آمده است، بیان کند، لیکن علی‌رغم آن اولاً، با توجه به آن‌که این کتاب در مقطع سطح سه و یا کارشناسی ارشد تدریس می‌شود، برخی از جزئیات یک قاعده را بیان نکرده است. برای نمونه، در بحث قاعدهٔ ید، جلد اول، ص

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۱۰۹، ایروانی علاوه‌بر آن‌که مضمون، مستندات، و اماریت این قاعده را مطرح کرده و سپس وارد وجه تقدیم ید بر استصحاب، اشتراط جهل به حالت سابقهٔ ذوالید، ضابطهٔ ید، اماریت ید بر منافع و عمومیت اماره بودن ید در حق ذوالید شده است، اما در عین حال، با توجه به کتاب *القواعدالفقهیه* میرزا حسن بجنوردی که کتاب شاخص و کاملی در زمینهٔ قواعد فقهی محسوب می‌شود، مباحث مهمی مانند جریان قاعدهٔ ید در حقوق، تعارض این قاعده با امارات دیگر، عدم کفایت صرف استیلا بدون قصد تملک در حصول تملک بدون قصد تملک را بیان نکرده است.

ثانیاً، با توجه به آن‌که این کتاب توسط مرکز نشر هاجر، به‌عنوان کتاب درسی تدوین شده است، یکی دیگر از موارد نداشتن جامعیت آن، کاربردی نبودن آن و اشاره نکردن آن به قوانین موضوعه مانند قانون مدنی، قانون مجازات اسلامی، قانون امور حسبی و ... است. ازاین‌رو، لازم است در تدوین دوبارهٔ آن، به این نقیصهٔ مهم توجه شود، زیرا توجه به کاربست قواعد فقهی در قانون و زندگی روزمرهٔ فراگیران، در ارتقای فرایند یاددهی ـ یادگیری، بسیار مؤثر است.

ب) انتقال صحیح و بدون ابهام مطالب: یکی از مهم‌ترین امتیازات این کتاب آن است که با توجه به زبان کتاب که عربی است، نویسنده سعی کرده است از یک سو، در بسیاری از موارد، در انتقال مفاهیم و مطالب آموزشی به فراگیران، از واژه‌پردازی‌های سخت و پیچیده، به‌کاربردن الفاظ و تعابیری که معانی و تفسیرهای گوناگونی دارد و یا بهره‌گیری زیاد از کلمات مبهم مانند ضمایر و اسم‌های اشاره بدون مشارالیه و موصول اجتناب کند و از سوی دیگر، در تبیین بسیاری از مطالب از مثال‌های متنوع و متعدد استفاده کند.

نمونه: قاعدهٔ سلطنت، جلد ۲، مبحث اول، ص ۵۶؛ نویسنده پس از تبیین مضمون قاعدهٔ سلطنت و این‌که هر فردی که مالک چیزی است، می‌تواند هرگونه تصرفی که بخواهد در مال خود داشته باشد، به شرطی که در محدودهٔ شرع مقدس باشد، زیرا در اینجا ممکن است این اشتباه پیش آید که مقصود از قاعدهٔ سلطنت، آن است که اشخاص دیگر نمی‌توانند بدون اجازهٔ مالک، در آن تصرف کنند. با استفاده از الفاظ ساده تأکید می‌کند که این معنا، مدلول التزامی این قاعده است و نه مطابقی آن؛ «ولیس المقصود منها ان المالک لشیء لا یحق لغیره التصرف فیه بدون رضاه و طیب نفسه فان ذلک لیس تمام المقصود من قاعده السلطنه».

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

ج) توجه به نظرات فقهای معاصر: محقق ایروانی در تبیین قواعد فقهی، فارغ از توجه به نظر فقهای مشهور و متقدم، به نظریهٔ صاحب‌نظران معاصر نیز توجه کرده است. البته استفاده‌گری او از نظر فقهای معاصر به دو دسته تقسیم می‌شود؛ فقهایی که از نظر آن‌ها بیشتر استفاده کرده است، مانند نراقی، شیخ انصاری، میرزای نائینی، علامه خوئی و سید یزدی و فقهایی که از نظر آن‌ها، به‌دلیل اقتضائات خاص بهره‌مند شده است، مانند شهید صدر، آخوند خراسانی (لاضرر و سلطنت)، شیخ‌الشریعه اصفهانی، سید سیستانی، (قاعدهٔ لاضرر) آقا ضیاء عراقی (قاعدهٔ ید، قرعه)، مکارم شیرازی (قاعدهٔ لاتعاد، لاحرج، و غرور)، سید حکیم (قاعدهٔ لاضرر، غرور، و قرعه)، نجفی (قاعدهٔ سلطنت و غرور)، بجنوردی (غرور و لاتعاد).

د) نگاه تحلیلی به ادلهٔ اقوال فقهاء و نقض و ابرام آن‌ها: یکی از امتیازات و نقاط قوت این کتاب آن است که شیخ ایروانی در تمامی قواعد فقهی، تنها به بیان کلام فقهاء نپرداخته بلکه پس از ذکر نظریه هر فقیهی، آن را مورد تحلیل و در نهایت نقض و ابرام قرار داده است.

نمونه: در قاعدهٔ لاحرج، جلد اول، مبحث ۲، صفحهٔ ۲۵۸: در مبحث عزیمت یا رخصت بودن قاعدهٔ نفی حرج، پس از بیان استدلال میرزای نائینی بر عزیمت با این توجیه که رفع حرج بر طریق رخصت، موجب تخییر مکلف میان دو امر الزامی وضو و تیمم در حالت حرج و استلزام اجتماع نقیضین می‌شود، قول وی را با این بیان که این قاعده در مقام امتنان است، نقض می کند. از همین رو، چون لاحرج را تنها موجب رفع اصل الزام و وجوب بدون رفع اصل ملاک و مطلوبیت آن می‌داند، قول به رخصت را ابرام می کند.

۲) امانتداری در نقل اقوال و ارجاع به منابع

اگرچه شیخ ایروانی سعی کرده است در بسیاری از موارد، در نقل اقوال امانتداری را رعایت کند و در مواردی که قولی را از فرد یا کتاب خاصی نقل می کند، صاحب نظر و منبع مربوطه را بیاورد، لیکن در برخی از موارد به ذکر صاحبان اقوال و مناقشات بسنده کرده و منبع مربوطه را در پاورقی نیاورده است و در برخی موارد نیز هیچ‌کدام از صاحب قول و منبع را خاطرنشان نکرده است. از همین رو، این کتاب در ذکر منابع، رویهٔ یکسانی ندارد و این، از نقاط ضعف جدّی این کتاب است.

نمونه (مثبت): جلد اول، قاعدهٔ ید، مبحث دوم، ص ۱۱۹: «و هذا المعنی او قریب

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

منه هو الذی اشار له الشیخ الاعظم بقوله: «و کیف کان فالید علی تقدیر کونها من الاصول التعبدیه ایضا مقدمه علی الاستصحاب .....» که در پاورقی منبع آن آمده است؛ فرائدالاصول، الطبع القدیم: ۴۰۹.

نمونه (منفی): جلد اول، قاعدهٔ نفی ضرر مبحث ۷ ص ۱۸۵: ان تفسیر الحدیث بنفی الحکم الضرری هو المعروف بین المتأخرین و اختاره الشیخ الاعظم و المیرزا و السید الخوئی، و بناء علی هذا التفسیر یلزم الاستفاده الکثیره من الحدیث ... .

۳) توجه به مسئلهٔ سندشناسی

یکی از امتیازات این کتاب آن است که نویسنده در بحث مستندشناسی هریک از قواعد فقهی، به مسئلهٔ بررسی سندی روایاتی که وارد شده است، بسیار توجه دارد و ضمن بررسی وضعیت یک روایت و بیان طرق مختلف نقل آن از جهت صحیح یا ضعیف بودن و همچنین توثیق بودن راویان، تکنیک‌های حدیث‌شناسی را نیز آموزش می‌دهد. این امر، موجب می‌شود که فراگیران در دورهٔ خارج، آمادگی روبه‌رو شدن با احادیث فراوان و بررسی سندی و رجالی آن‌ها را پیدا کنند.

نمونه: جلد ۱، قاعدهٔ لاتعاد، مبحث۱، ص ۲۵: والروایه صحیحه السند، فانها بطریق الشیخ و ان کانت قابله للتامل الا انها بکلا طریقی الصدوق هی معتبره و یکفینا لاعتبار الروایه صحه احد طرقها.

۴) اهتمام فراوان به فقه الحدیث و فهم میزان دلالت آن بر مطلوب

یکی از ویژگی‌های مثبت کتاب قواعد فقهیه شیخ ایروانی آن است که وی تلاش کرده است در هر جایی که صاحبان اقوال ادلهٔ روایی بیان می‌کنند، آن‌ها را موردمداقّه قرار دهد و دلالت و نحوهٔ دلالت آن‌ها را بر حکم شرعی تحلیل کند، به گونه‌ای که حتی در برخی قواعد فقهی، چندین مبحث و درس را به آن اختصاص داده است. این امر موجب می‌شود تا فراگیران علاوه‌بر آشنایی با روایات و محدثین، با نکات دلالت‌شناسی و جمع روایی شناخت پیدا کنند تا در مواجهه با تفاصیل و جزئیات بیشتر آن در دورهٔ خارج آمادگی پیدا کنند.

نمونه: جلد ۲، قاعدهٔ قرعه، مبحث ۱، ص ۱۵۲: دلالتها (روایه محمد بن حکیم) علی العموم واضحه فانه و ان لم یحدد فیها المقصود من کلمه شیء و من الحتمل اختصاصه بمورد معین الا ان ذلک لا یمنع من استفاده العموم منها ... .

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۵) مرتبط بودن مطالب کتاب با سایر دروس وابسته

در مجموعه دروس حوزوی و دانشگاهی، عمدتاً درس‌ها با یکدیگر مرتبط هستند؛ یا به نحو افقی و سلسله‌مراتب هم‌عرض و یا عمودی و در حالت رتبه‌بندی. درس قواعد فقهی از آن دسته از دروسی است که با دروس اصول فقه، فقه، دروس حقوقی (حقوق مدنی، حقوق جزا) پیوند و ارتباط دارد و برای طلبه یا دانشجو از طریق این ارتباط، امکان تفهیم و کاربست‌های قواعد فقهی تسهیل می‌شود. از جملهٔ این اصطلاحات اماره، استصحاب، مقتضی، مانع، عموم، اباحه، صحت، هبه، عاریه، ضمان، تسبیب، اتلاف، غرور، ضرر، بائع، حکم تکلیفی، حکم وضعی، منافع، اعمال، حقوق، عقد فاسد، امانت، تسلط، مالکیت و ... است.

۶) ظرفیت مطالب کتاب در ایجاد ارتباط با موضوعات میان‌رشته‌ای

یکی از مواردی که لازم است نویسندگان در هنگام تألیف و مدونین در زمان تدوین کتاب، بدان توجه داشته باشند آن است که به ظرفیت مطالب کتاب برای پیوند و ارتباط با مباحث سایر رشته‌ها توجه کنند تا با استفاده از قدرت روایتگری و استدلالی دانش‌های دیگر، به تحلیل و تفهیم مطالب پرداخته‌شده در کتاب خود، کمک کنند.

شیخ ایروانی سعی می‌کند در هر قاعدهٔ موردبحث، به پیش فرض‌های علومی نظیر ادبیات عرب، حدیث، کلام، فلسفه و منطق توجه کند. از جملهٔ این اصطلاحات عبارت است از: اسم، فعل، فعل ماض (ادبیات عرب)؛ مرسل، موثقه، مرفوعه، ثقه، ضعیف، ضعیف منجبر (حدیث)، اجتماع نقیضین، تعارض، من وجه، ذاتی، عرضی، قضیه، موجبهٔ کلیه، سالبهٔ کلیه (منطق)، ترجیح بلامرجح (فلسفه و کلام)، ارتکاز عقلایی، سبب، علت، مسبب (فلسفه).

۷) تناسب با نیازهای فراگیران و جامعه

یکی دیگر از پارامترهای ویژهٔ این کتاب که آن را از کتاب‌های قواعد فقهی دیگر ممتاز می‌کند، آن است که نویسنده با آوردن نمونه‌های متنوع و متعدد، در بخش تطبیقات، موجب دقت و تمرکز بیشتر فراگیران در قاعدهٔ موردبحث می‌شود، زیرا هدف از فراگیری قواعد فقهی آن است که حکم کلی فقهی صادرشده برای موضوعات کلی فراگرفته شود تا مخاطب کتاب به‌عنوان یک فقیه یا حقوقدان به قدرت تطبیق و استدلال برسد.

نمونه: جلد ۲، قاعدهٔ فراش، مبحث ۳، ص ۲۴۹: امراه لها زوج لا ینجب زرّقت بحیا من شخص آخر و حملت بمن یلحق الطفل؟ با توجه به آن‌که در قاعدهٔ فراش که بچه‌ای که زنی به دنیا می‌آورد، ملحق به شوهرش است؛ حال اگر زنی که از همسر خود بچه‌دار

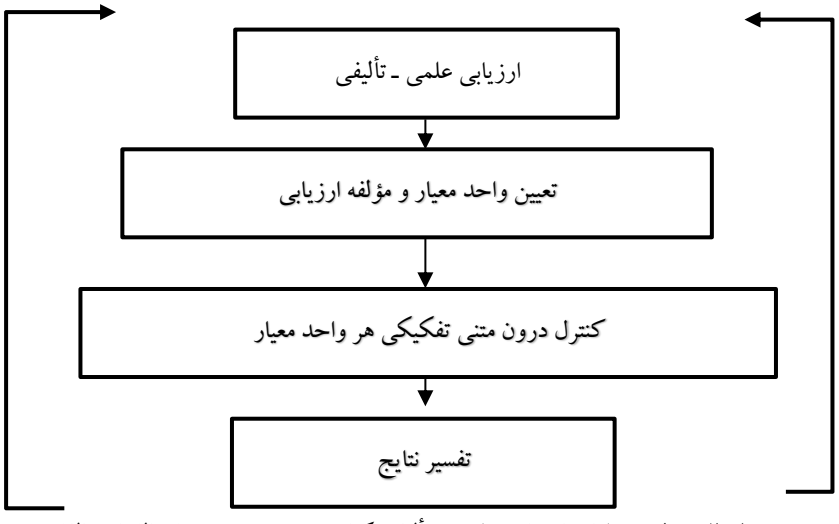
Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

نمی‌شود، با رعایت شئونات اسلامی (مثلاً با لقاح صناعی) از مرد دیگری بچه‌دار شود، بچه به چه کسی ملحق می‌شود؟

۸) تناسب محتوا با زندگی واقعی یادگیرندگان

همان‌طور که گفته شد یکی از نقیصه‌های جدی این کتاب، آن است که در هریک از قواعد فقهی که در باب معاملات مانند لاضرر، لاحرج، غرور، ید، علی الید، اقرار و یا خانواده مانند فراش بیان شده است، به انطباق آن‌ها با قوانین موضوعه و کاربست آن‌ها در زندگی واقعی فراگیران توجه نشده است. در حالی که توجه به این مطلب مهم، در تدوین دوبارهٔ این کتاب، می‌تواند موجب ایجاد انگیزه و علاقهٔ بیشتر در فراگیران و در نتیجهٔ آن، ارتقای فرایند یاددهی و یادگیری شود. برای نمونه، در قاعدهٔ علی الید و در بحث تعاقب ایادی، در موارد متعددی از قانون مزبور به آن پرداخته است مانند مادهٔ ۳۱۶ تا ۳۱۸ که دلالت دارد بر آن‌که در قرار گرفتن ایادی متعدد بر مال مغصوب، مالک می‌تواند به هر کدام از آن‌ها مراجعه و مال خود را از او مطالبه کند (داماد، ۱۳۸۶، ص ۸۷) و یا در قاعدهٔ اصاله الصحه، قانون مدنی، این اصل را به تبعیت از فقهای امامیه پذیرفته و در موارد متعددی نیز به صراحت به آن اشاره کرده است؛ مانند مادهٔ ۲۲۳ که مقرر می‌دارد: «هر معامله‌ای که واقع شده باشد، محمول بر صحت است، مگر آن‌که فساد آن معلوم شود».



نمودار ۲ مدل مرحله‌ای ارزیابی علمی ـ تألیفی کتاب دروس تمهیدیه فی القواعد الفقهیه

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

قسمت دوم: ارزیابی طراحی آموزشی

۱) ارزیابی مقدمات کتاب

الف) مقدمهٔ مؤلف: یک مقدمهٔ استاندارد دارای پنج قسمت است که به ترتیب عبارت‌اند از: بیان مسئله و اهداف تألیف کتاب، سخنی با فراگیر (ارائهٔ راهکارهایی برای فهم بهتر درس و توجه به پاسخ‌دهی به سؤالات پژوهشی، با تأمل بیشتر و مباحثه‌ای)، سخنی با اساتید (تبیین اهمیت، ضرورت و جایگاه کتاب)، توضیح راهبردها و راهنمای تدریس (قواعد کلی، روش های تدریس و تحقیق) و تقدیر و تشکر از کسانی که به مؤلف در تدوین کتاب کمک کرده‌اند.

از آن‌جا که نویسنده در هنگام تألیف این کتاب، قصد تألیف یک کتاب درسی را نداشته، بر همین اساس، این نقد که این کتاب فاقد اجزای یک مقدمهٔ استاندارد است، وارد نیست. اما با توجه به آن‌که این کتاب توسط ادارهٔ کل برنامه‌ریزی و تدوین متون تحصیلی به‌عنوان یک کتاب درسی، تدوین شده است، لازم بود مدونان به این مهم توجه می کردند.

در اولین صفحهٔ این کتاب، بخشی با عنوان «تمهید» آمده است که درحقیقت پیش‌گفتاری بر این کتاب است که توسط ناشر نگاشته شده و به تبیین اهمیت و ضرورت تألیف و تدوین کتب درسی برای حوزه‌های علمیه و طلاب پرداخته است. این کتاب، فاقد یک مقدمه با معیار و الگوهای استاندارد است. از آنجا که نویسنده در هنگام تألیف این کتاب، قصد تألیف یک کتاب درسی را نداشته است، بر همین اساس، این نقد، به نویسنده وارد نیست، اما با توجه به آن‌که این کتاب توسط ادارهٔ کل برنامه‌ریزی و تدوین متون تحصیلی به‌عنوان یک کتاب درسی، تدوین شده است، لازم بود مدونان به این مهم توجه می کردند.

ب) فهرست مطالب: در یک کتاب درسی مؤلف ساختار کتاب و درس‌ها را در دو جا برای فراگیر شرح می‌دهد؛ یکی (با توجه به سطح شناخت کتاب)؛ با اختصاص دادن یک یا دو درس برای تحلیل و تفصیل ارتباط عناوین با عنوان نظام مسائل کتاب و دیگری فهرست مطالب (حسین‌زاده و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۱۰۵).

در این کتاب، در هریک از قواعد فقهی، مباحث متعددی مطرح شده که در ضمن ارتباط با آن قاعده، به بررسی و تحلیل آن قاعده نیز پرداخته است. چنانچه در قسمت مدخل نیز که در دو مبحث آمده است، تاریخچه، جایگاه و اهمیت بحث قواعد فقهیه، مفهوم‌شناسی عناوین ازجمله قاعده و مسئلهٔ فقهی و اصولی و اقسام قواعد فقهی به‌عنوان

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

ربط مطالب درسی درنظر گرفته شده که این، می‌تواند جزو نقاط قوت این کتاب باشد.

اما از سویی، فهرست مطالب ابتدایی کتاب، متناسب با سطح آن نیست، زیرا فاقد فهرست تفصیلی است که گویای ساختمان کتاب باشد؛ بدین معنا که فهرست مطالب از اصل به فرع و از تیترهای اصلی به فرعی چینش نشده و تنها فهرست اجمالی از مباحث را که رئوس مطالب باشد، ذکر کرده است.

تعداد کل تیترهای اصلی، فرعی و فرعی‌تر کتاب در جلد اول، به ترتیب ۳۲ و ۷۶ و ۳۸۳ و در جلد دوم به ترتیب ۳۰ و ۸۲ و ۳۰۰ و مجموعاً ۲۲۰ عنوان است که خود این مطلب، به معنای تفصیلی بودن فهرست مطالب است. از طرفی با مشاهدهٔ جدول می‌توان به این امر، دست یافت که درس سوم جلد اول مبحث قاعدهٔ لاضرر با تعداد ۷۶ تیترفرعی‌تر، بیشترین عناوین را به خود اختصاص داده است که با بقیهٔ درس‌ها به‌طور چشمگیری تفاوت در تعداد دارد که با توجه به این‌که از ریز کردن موضوع نشئت گرفته، برای این دروس نقص محسوب می‌شود. چون این تقسیم بندی متعدد، سبب طولانی شدن این درس‌ها و درنتیجه آشفتگی و سردرگمی فراگیر می‌شود.

۲) ارزیابی پیکرهٔ درس

الف) اهداف رفتاری: یکی از مراحل طراحی آموزشی و تکنیکال در هریک از درس‌های هر کتاب درسی، تعیین «اهداف رفتاری یا اختصاصی» است که عبارت از مشخص کردن رفتار یا عملی است که با انجام آن، رسیدن به اهداف آموزشی موردنظر در آن درس نشان داده می‌شود و از همین رو، به آن‌ها «اهداف عملکردی» نیز گفته می‌شود (گروه مؤلفان، ۱۳۹۶، ص ۶۱، ۷۰). تعیین اهداف رفتاری نیازمند رعایت مختصات و ویژگی‌های خاصی است، ازجمله؛ تناسب با اهداف جزئی (اهداف هر فصل کتاب)، تأکید بر رفتار موردنظر از یادگیرنده، اختصاص هر هدف به یک رفتار، ساده، کوتاه و روشن، قابل دسترسی، هماهنگی با اصول یادگیری، قابلیت مشاهده و اندازه‌گیری، استقلال هدف، درنظرگرفتن سطوح یادگیری شناختی، مهارتی و نگرشی، تأیید و تقویت اهداف، بیان اهداف با فعل رفتاری و همچنین مضارع سوم شخص مفرد، هماهنگ با سطح کتاب (بلوم و همکاران، ۱۳۷۴، ص ۱۴ـ۱۰۰؛ شعبانی، ۱۳۸۲، ص ۱۶۰ـ ۱۷۸). ملاحظهٔ شرایط عملکرد در تدوین هدف اختصاصی، داشتن معیار عملکرد (سطح قابل‌قبولی که موردانتظار استاد است) (گروه مؤلفان، ۱۳۹۶، ص ۷۱) ضمن آن‌که قبل از آوردن اهداف رفتاری، لازم

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

است، مانند این عبارت نوشته شود «از فراگیر انتظار می‌رود که در پایان این درس بتواند».

در این کتاب، در ابتدای هریک از درس‌ها، به جای آوردن اهداف رفتاری، تنها رئوس مطالب آن درس، بدون درنظرگرفتن معیارهای استاندارد اهداف رفتاری آمده است؛ با توجه به آن‌که این کتاب، توسط مدونان و طراحان آموزشی تدوین شده است، این مورد نیز یکی از نقیصه‌های عمدهٔ این کتاب است که لازم است در بازنگری تدوین آن اصلاح شود. چنانچه برای نمونه در ابتدای مبحث اول قاعدهٔ الزام، آمده است: مضمون القاعده، قاعدتاً الالزام و الإمضاء، مستند القاعده.

ب) پیش‌سازمان‌دهنده: یکی دیگر از مواردی که در ابتدای پیکرهٔ هر درس باید بدان توجه شود، پیش‌سازمان‌دهنده است که از نقش محوری در دروس برخوردار است (گروه مؤلفان، ۱۳۹۶، ص ۱۵۵ـ۱۵۶)؛ بدین معنا که مفهومی کلی است که مطالب درس جدید را به مباحث پیشین همان موضوع مربوط می‌سازد و با ایجاد این رابطه، موجب شکل گیری چهارچوب ذهنی فراگیر می شود تا با آمادگی بیشتری درس جدید را فرا بگیرد و به گفتهٔ آزوبل[1] موجب معنادار شدن یادگیری می شود» (سیف، ۱۳۸۶، ص ۱۵۸). از آنجا که پیش‌سازمان‌دهنده حلقهٔ اتصال دانش جدید و اطلاعات قبلی فراگیر است، از همین رو، رعایت نکات محتوایی و صوری در آن، بسیار ضروری است. ازجمله معیارهای صوری پیش‌سازمان‌دهنده سادگی و روانی، وضوح و روشنی، اختصار، کلی و انتزاعی بودن آن است و به‌لحاظ محتوایی نیز باید بین مطالب هر درس با مطالب پیشین ارتباط برقرار کند و دورنمایی از مباحثی که قرار است در درس گفته شود، ارائه دهد. نکتهٔ دیگری که توجه به آن در پیش‌سازمان‌دهنده ضروری است، بُعد انگیزشی آن است که اهمیت بسیار زیادی دارد. در پیش‌سازمان‌دهنده، نویسنده باید بتواند توجه مخاطب را به شیوه‌های مختلف برای یادگیری درس جلب کند و وی را برای ارتباط برقرار کردن با درس آماده سازد (پاکپور، ۱۳۹۰، ص ۴۹۱؛ تقی‌پور، ۱۳۹۰، ص۱۶۸ـ ۱۷۸).

مؤلف این کتاب، شیخ ایروانی، در ابتدای هر قاعده، بخشی را به‌عنوان «تمهید» آورده که درحقیقت، «مقدمهٔ» آن فصل است تا پیش‌سازمان‌دهنده، زیرا اگرچه از نظر صوری، عناصر وضوح، روشنی، سادگی و طولانی نبودن مطالب رعایت شده و از لحاظ محتوایی نیز تنها به ذکر دورنمایی از مباحثی که در آن قاعدهٔ موردبحث قرار می گیرد بسنده کرده است، لیکن از یک طرف، میان هر یک از درس‌های هر قاعده با مباحث

1. Azubel

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

پیشین آن ارتباط برقرار نکرده است و از طرف دیگر، از لحاظ انگیزشی و جلب توجه مخاطب نسبت‌به مباحث، بسیار ضعیف عمل کرده و نتوانسته است مخاطب را در توجه به موضوع برانگیزاند. درحالی که نویسنده می‌توانست نمونه‌هایی از استناد به قاعدهٔ موردبحث را بیان کند، ولی غالباً به وضعیت تاریخی آن قاعده اشاره کرده است.

اما همان‌طور که بارها گفته شد این کتاب توسط ادارهٔ تدوین متون تحصیلی تدوین شده و از همین رو، بدیهی است که باید به این تکنیک بسیار مهم طراحی آموزشی نیز توجه می‌شد، درحالی که هیچ‌یک از دروس و مباحث این کتاب، برخوردار از این عنصر آموزشی نیست و این نیز، یکی دیگر از نقایص مهم این کتاب است.

ج) توزیع محتوا در دروس: چنانچه قبلاً گفته شد مطالب این کتاب به عناوین قواعد فقهی و هر قاعده نیز به چند مبحث تقسیم‌بندی شده است و نه به صورت درس یا حتی فصل؛ درحالی که مبنای تقسیم‌بندی هر کتاب درسی، باید درس باشد، اما صرف نظر از این اشکال، در هریک از قواعد فقهی، تعداد دروس نیز به‌لحاظ استاندارد رعایت نشده است، زیرا از جمله معیارهایی که رعایت آن در کتاب درسی لازم است آن است که مطالب به نحو متناسب در دروس توزیع شده باشد.

توزیع صوری (بودجه‌بندی) در جلد اول که دارای ۷ قاعدهٔ فقهی است، هریک از مباحث آن قواعد، بین ۳ تا ۸ است؛ یعنی هر مبحث، حداقل متضمن ۳ صفحه و حداکثر ۸ صفحه است. توزیع محتوا نیز در همهٔ قواعد متوازن نیست، زیرا عدد آن ۲ تا ۱۴ است. چنانچه قاعدهٔ لاضرر، مشتمل بر ۱۴ مبحث است؛ درحالی که دو قاعدهٔ تجاوز و فراغ و ید، هر کدام به ترتیب دارای ۶ و ۴ مبحث هستند، ولی قواعد دیگر مانند لاتعاد، اصاله الصحه و نفی حرج، هر کدام دو مبحث دارد. اگرچه نویسنده در دو قاعدهٔ آخر، به‌دلیل آن‌که در مقام بیان مبانی کلی این قواعد بوده، مبحث‌ها را کم آورده است، لیکن در قاعدهٔ لاتعاد با توجه به آن‌که این قاعده، یکی از قواعد عبادی و کاربردی است، بهتر بود نویسنده درمورد دامنهٔ مستثنی منه و اجزای قاعده، جزئیات بیشتری نیز بیان می‌کرد تا مطالبی را که به‌صورت کلی و مبهم در این قاعده مطرح کرده است، روشن‌تر شود. بنابراین، این کتاب از جهت توزیع محتوا به‌طور نامناسب عمل کرده و این، یک نقص مهمی بر این کتاب است، زیرا در برخی قواعد، اشاره به مبانی و کلیات داشته، درحالی که در برخی قواعد، وارد مباحث تفصیلی و جزئیات شده است.

توزیع صوری در جلد دوم که مشتمل بر ده قاعدهٔ فقهی جداگانه است، بین ۴ تا ۷

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

صفحه است. چنانچه توزیع محتوایی در قواعد فقهی نیز دو تا پنج مبحث است، زیرا غالب قواعد مطرح‌شده در آن: طهارت، سوق، سلطنت، علی الید، الزام، اقرار و فراش مشتمل بر سه مبحث و هر کدام بین ۴ تا ۵ صفحه هستند و تنها دو قاعدهٔ میسور و غرور دارای دو مبحث هستند. البته قاعدهٔ هفتم این جلد یعنی قاعدهٔ قرعه و استخاره که از قواعدی است که به‌طور عمده در باب قضا جاری است، پنج مبحث را به خود اختصاص داده است. بنابراین توزیع محتوایی در این جلد، تاحدی مناسب است.

د) ساختار و محتوای دروس: تقسیم درس‌ها در این کتاب نه به فصل بوده است و نه به درس، از همین رو، فهرست‌بندی درس‌های این کتاب، استاندارد و علمی نیست. در این کتاب، تنها در جلد اول، بخش مدخل که دارای دو مبحث جداگانه است، دارای عنوان مناسب است: مبحث اهمیت قواعد فقهی و تاریخ تطور آن و مبحث فرق بین قاعدهٔ فقهی و قاعدهٔ اصولی و برخی دیگر از احکام آن. اما در بخش قواعد فقهی، در هر دو جلد، که دارای مباحث متعددی هستند، فاقد عناوین اصلی‌اند. همچنین در چینش عناوین هر مبحث و تقدم و تأخر آن نیز، تنها به آوردن شمارهٔ مبحث اکتفا شده است: المبحث ۱، المبحث ۲. اما علی‌رغم این دو اشکال، در محتوای هر مبحث، بین عناوین فرعی و فرعی‌تر و مفاهیمی که در آن درس بیان شده است، می‌توان گفت منطق مناسبی بر ساختار آن‌ها وجود دارد. مانند نمونهٔ زیر:

جلد اول، مبحث دوم قاعدهٔ علی الید، صفحهٔ ۱۰۹: در این مبحث، نویسنده پیرامون چندین مسئله بحث می‌کند؛ اولاً، برای اثبات ضمان فرد غاصب می‌توان به‌جز حدیث نبوی (صلی الله علیه و آله) «علی الید ما أخذت حتی تؤدیه»، به نصوص و روایات دیگر نیز استناد کرد؛ ثانیاً، در این‌که آیا عبارت «علی الید» مفید حکم وضعی ضمان است یا حکم تکلیفی حرمت، میان فقها اختلاف نظر است؛ ثالثاً، این قاعده اطلاق داشته و شامل استیلای بر منافع و عمل در مال دیگری می‌شود؛ رابعاً، غاصب در فرض تلف، ضامن برگرداندن مال به مالک است، ولی ضمان او برای بدل حیلوله، محلّ اختلاف فقهاست.

عناوین فرعی: مستند القاعده، هل حکم وضعی أو تکلیفی، ضمان المنافع و الأعمال، المثل أو القیمه و بدل الحیلوله وأجره الرّد؛ زیرعنوان‌های فرعی عنوان فرعی اول: امکانیه الاستدلال بالنصوص الأخری، تأمل فی الاستدلال المذکور؛ عنوان فرعی دوم: کلام النراقی، کلام الشیخ، القول الصحیح؛ عنوان سوم اشکال علی شمول القاعده، الحکم بالضمان فی المنافع و الأعمال؛ عنوان چهارم المعیار هو قیمه المثل یوم الأداء، ضمان بدل

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

الحیلوله، بحث فی اجره الرد، نتیجه البحث.

عنوان اصلی این فصل را می‌توان «احکام قاعدهٔ الید» نهاد که مشتمل بر سه عنوان فرعی دوم، سوم و چهارم می‌شد و عنوان اول درحقیقت، مربوط به ادامهٔ مستند قاعدهٔ علی الید است که در همان مبحث قبلی باید آورده می‌شد.

در هر یک از مباحث یک قاعده، ابتدا عناوین فرعی کلی که در آن درس مطرح می‌شود، آورده شده است که شاید با تسامح، آن‌ها را اهداف رفتاری نامید؛ اگرچه منطبق با معیارها و ویژگی های لازم نیست و پس از آن، مقدمه ابتدای هر قاعده که حتی اگر پیش‌سازمان‌دهنده هم نباشد، می تواند مقدمه و پیش‌درآمد خوبی برای ورود به آن قاعده باشد. پس از آن، مضمون، مستند، مسائل و احکام آن قاعده را موردبحث قرار می‌دهد. در پایان هر مبحث نیز، خلاصهٔ مطالب درس بیان شده و درنهایت نیز پس از ذکر منابع بیشتر جهت مطالعهٔ فراگیران و اصطلاحاتی که در آن درس مطرح شده، پرسش‌هایی را برای خودآزمایی ذکر کرده است. در پایان هر قاعده نیز، جدول مفهومی آن را ترسیم کرده است. توجه به این چند مورد آخر و قرار دادن آن‌ها در ساختار محتوایی یک درس، از نقاط قوت و امتیاز این کتاب محسوب می‌شوند. بنابراین نواقص مهم این کتاب عبارت‌اند از: ادغام همهٔ مباحث مندرج در یک قاعده تحت عنوان یک قاعده؛ درحالی که بهتر آن بود که نویسنده هریک از قواعد فقهی موردبحث در کتاب را تحت عنوان یک فصل و هریک از مباحث آن قاعده را تحت عنوان یک مبحث یا درس قرار می‌داد و برای هریک از آن ها نیز عنوان مشخص و مناسبی انتخاب می کرد.

ه) رعایت تناسب منطقی و اختصار میان حجم اطلاعات اصلی و اطلاعات جانبی و حاشیه‌ای: برخی از نویسندگان با شاخ‌وبرگ دادن به مطالب و آوردن شواهد و نمونه‌های متعدد، توضیحات بیش از اندازه و تکرارهای چندباره با عبارت‌های متفاوت، بر حجم اطلاعات جنبی می‌افزایند و در عین حال برخی کم‌نویس و مطالب را به‌صورت موجز و خلاصه و فشرده می‌آورند و خواننده را بیش از اندازه به تأمل وامی‌دارند، به‌طوری که موجب ایجاد وقفه در امر آموزش می‌شوند. درحالی که نویسنده لازم است در این امر، به توازن برسد و تناسب منطقی را در شیوهٔ ارائهٔ مطالب رعایت کند تا مطالب به صور صحیح و بدون ابهام به فراگیران انتقال داده شود تا بدین وسیله فراگیران بدانند که باید به دنبال چه چیزی باشند.

در این کتاب نویسنده سعی کرده است با داشتن یک شیوهٔ مناسب در ارائهٔ مطالب،

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

تناسب منطقی را رعایت کند و در عین بیان مطالب هر قاعده (مضمون، مدرک، ویژگی‌ها، شرایط اعمال قاعده، تطبیقات و آوردن شواهد و نمونه) رعایت اختصار نیز نماید و شواهد و نمونه‌هایی را نیز بیاورد و از اضافه‌گویی و پرداختن به مطالب حاشیه‌ای بپرهیزد. چنان‌چه مؤلف در ابتدای هر قاعده که از مضمون و مدرک قاعده بحث می‌کند، در عین تحلیل و بررسی مختصر ادله و اقوال مطروحه، سعی می‌کند نظر و قول مختار خویش را نیز بیان کند.

نمونه: در مبحث اول قاعدهٔ علی الید جلد دوم: در بحث از مضمون قاعده، پس از تبیین مقصود و مراد از قاعده و طرح یک مثال، فرق میان قاعدهٔ علی الید را با قاعدهٔ اتلاف که از قواعد اثبات‌کنندهٔ ضمان و مسئولیت است، به‌طور مختصر توضیح می‌دهد و پس از آن، چون ممکن است در ذهن فراگیر این سؤال مطرح شود که فرق این قاعده با قاعدهٔ ید چیست؟ فرق آن دو را نیز مشخص می‌کند.

۳) ارزیابی فنون پایان‌دهنده

یکی از عناصر طراحی آموزشی و تکنیکال هر کتاب درسی، توجه به فنون پایان‌دهنده و تکمیلی آن است که موجب تأمین اهداف آموزشی کتاب و ارتقای فرایند یادگیری فراگیران می‌شود. این موارد عبارت‌اند از:

الف) خلاصه و جدول مفهومی: یکی از فنون پایانی هر درس، خلاصهٔ درس است که دارای ویژگی‌های خاصی است، ازجمله؛ بیان مطالب مهم و اصلی درس، بیان خلاصه با عبارات و مصطلحات متن درس، حفظ ترتیب منطقی مطالب، آوردن خلاصه در کادر یا صفحه‌ای جداگانه.

یکی از نقاط قوت این کتاب بخش خلاصهٔ آن است که هریک از درس‌های کتاب در هردو مجلد، دارای خلاصه‌ای است که سعی شده است با معیارهای مزبور منطبق باشد، به‌گونه‌ای که هر فراگیر می‌تواند قبل از شروع به مطالعهٔ درس و یا پس از آن، به سهولت در جریان بحث آن درس قرار بگیرد. از سویی جدول مفهومی که در انتهای هریک از بخش‌ها و قواعد فقهی آورده شده بسیار قابل توجه است، زیرا هریک از مطالب عمده و اصلی آن قاعده، به‌صورت بسیار کوتاه و مفهومی بیان شده است.

ب) طرح سؤال: در رویکردهای نوین آموزشی، سنجش و ارزشیابی، ابزاری در خدمت تعلیم و تربیت تلقی می‌شود که می‌تواند میزان دانسته‌ها و توانایی‌های فراگیران را

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

اندازه‌گیری کند. سنجش را می‌توان شامل تمامی فعالیت‌ها و روش‌های جمع‌آوری اطلاعات مربوط به عملکرد شاگردان دانست. (پاکپور، ۱۳۹۰، ص ۲۴۴) در متن یک کتاب درسی، این امر به دو صورت انجام می‌شود؛ پرسش‌های میان‌متنی و پرسش‌های پایان درس. سؤالات میان‌متنی نیز خود به سه گروه تقسیم می‌شود: پرسش‌های گروهی که موجب هم افزایی و مشارکت فراگیران در امر یادگیری و یاددهی می‌شود؛ پرسش‌های با تفکر بیشتر که عمدتاً از مطالبی است که در عین ارتباط با محتوای آموزشی درس، خارج از مباحث مطرح‌شده در کتاب است که موجب بصیرت‌افزایی مخاطبان درس می‌شود و سؤالات پژوهشی که موجب تحقیق و رجوع فراگیر به کتاب‌های آموزشی دیگر می‌شود. استفاده کردن از فعالیت‌های تکمیلی در یک کتاب، به جز آن‌که موجب ارزشیابی فراگیران می‌شود، از یک طرف می‌تواند موجب ارتقا و پیشرفت آموزشی آن‌ها به سطوح بالاتر و از طرف دیگر، سبب انگیزه و تلاش بیشتر آن‌ها برای یادگیری بیشتر شود (پاکپور، ۱۳۹۰، ص ۲۴۵).

۱. ب) سؤالات میان متنی: این کتاب در پایان هر قاعده در قسمت تطبیقات، سؤالات متعدد و متنوعی را از تطبیق آن قاعده بر موارد و مصادیق مختلف مطرح کرده است که هریک از آن‌ها بسته به اقتضای خود، می‌تواند به‌عنوان پرسش گروهی و یا با تأمل بیشتر باشد، لیکن چنین نیست که هریک از درس‌ها و مباحث یک قاعده، مشتمل بر آن سؤالات باشد، ضمن آن‌که نوع آن سؤالات به تفکیک مشخص نشده است که برای مباحثهٔ گروهی است یا با تفکر و تأمل بیشتر و این جزء یکی از نقایص جدی این کتاب است. همچنین با توجه به سطح شناخت این کتاب تدوین‌شده، مناسب بود که مدونان، در هریک از قواعد فقهی، سؤالات پژوهشی و تحقیقی نیز می‌گنجاندند تا از این طریق، فراگیران را هم به تعمق و مداقه در کتاب‌های دیگر دعوت می‌کردند و هم آن‌ها را برای سطح بعدی یادگیری نیز آماده می‌ساختند.

۲. ب) سؤالات پایانی: در یک کتاب استاندارد آموزشی، لازم است در انتهای هر درس سؤالاتی بیان شود که فرایند یاگیری فراگیران را تکمیل کند. ازجمله ویژگی‌های سؤالات پایانی آن است که باید مکمل ادامهٔ مباحث طرح‌شده در هر درس باشد تا فرایند یادگیری تکمیل شود و نه آن‌که فقط وصف ارزشیابی و جنبهٔ آشنایی فراگیران با نمونه‌سؤالات آزمون را داشته باشد، سؤالات واضح و شفاف باشند و نه به‌صورت کلی و مبهم، سؤالات یک‌بخشی باشند و نه آن‌که یک سؤال مشتمل بر چندین بخش باشد،

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

سؤالات تشریحی گسترده‌پاسخ واجد معیار باشند؛ مانند آن‌که تعداد سطور لازم در سؤال قید شود، از انواع سؤالات عینی که موجب سنجش توانایی تفکیک گزینه‌ها و معلومات فراگیر می‌شود، استفاده شود، متناسب با سطح کتاب باشد، همچنین آن‌که متناسب با اهداف رفتاری ابتدای هر درس باشد. (پاکپور، ۱۳۹۰، ص۶۹ـ۲۶۲؛ سیف، ۱۳۸۶، ص ۱۵۹ـ۲۳۹؛ گروه مؤلفان، ۱۳۹۶، ص ۳۱۱-۳۱۲).

در این کتاب در پایان هر درس، قسمتی به‌صورت جداگانه در قالب «الاسئله» اختصاص به طرح پرسش‌های پایانی دارد که از امتیازات این کتاب است. اگرچه این سؤالات متناسب با سطح شناختی کتاب و همچنین اهداف آموزشی همان درس هستند، لیکن نکات دیگری که در طراحی سؤالات باید مدنظر قرار گیرد، رعایت نشده است. مانند این‌که سؤالات، بیشتر جنبهٔ ارزشیابی و خودآزمایی دارد تا تکمیلی، و سؤالات کلی و مبهم هستند. در سرتاسر کتاب از سبک یکسانی در طراحی سؤالات استفاده شده و هیچ تنوعی در سؤالات کتاب وجود ندارد. درحالی که مدونان کتاب می‌توانستند از انواع سؤالات عینی مانند صحیح و غلط، جورکردنی، چندگزینه‌ای استفاده کنند. به‌علاوه تعداد سؤالات درس‌های این کتاب معیار و توازن ثابتی ندارد، به‌گونه‌ای که تعداد سؤالات درس‌های جلد اول میان ۲، ۳، ۴ و ۵ و جلد دوم میان ۲، ۳، ۴، ۵ و ۶ متغیر است و البته در جلد اول، درس ۱۸ و در جلد دوم، درس ۳۰ تنها یک پرسش مطرح شده است. با توجه به آن‌که مخاطبان این کتاب درسی، به‌طور عمده فارسی‌زبان هستند، بهتر بود، از سؤالات فارسی نیز استفاده می‌شد تا موجبات علاقه و انگیزهٔ بیشتر برای فراگیران را فراهم می‌کرد.

ج) منابع برای مطالعهٔ بیشتر: یکی از بخش‌های دیگری که در طراحی آموزشی بسیار اهمیت دارد، معرفی منابع برای مطالعهٔ بیشتر فراگیران است. ویژگی‌های معرفی منابع بیشتر عبارت است از: ارجاعات دقیق با ذکر شمارهٔ جلد، صفحه و انتشارات، تناسب با سطح کتاب و محتوای آموزشی درس و همچنین با هدف تکمیل اطلاعات درس.

در این کتاب، در پایان هر درس پس از آوردن خلاصه، بخشی را با عنوان «لاحظ» آورده است که در آن، منابعی را برای مطالعهٔ بیشتر به مخاطبان معرفی کرده است و این، یکی از امتیازات و نقاط قوت این کتاب است و مدونان، ویژگی‌هایی را که لازم است در این قسمت به آن توجه شود، رعایت کرده‌اند. تعداد منابع معرفی‌شده در هر درس نیز میان ۱ تا ۳ مورد متغیر است.

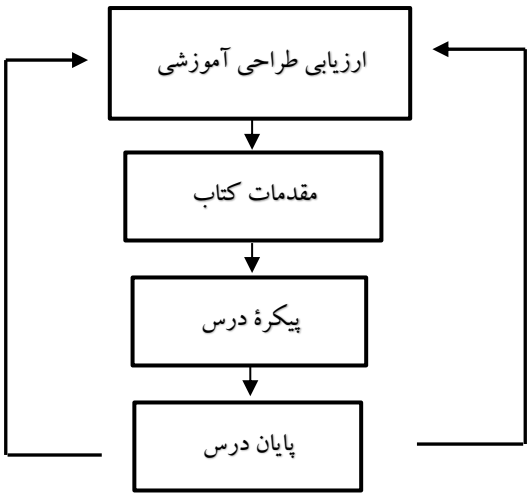
د) مصطلحات: یکی از پارامترهای طراحی آموزشی که لازم است به‌ویژه در

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

کتاب‌های تخصصی رعایت شود، آوردن اصطلاحات مطرح‌شده در پایان هر درس است تا بدین وسیله فراگیر از یک طرف، با این واژگان خاص و از طرف دیگر، با محل طرح و بیان آن‌ها در آن علم آشنا شود. ازجمله ویژگی‌های مصطلحات، آوردن واژگان تخصصی ذکرشده در متن درس و تعریف آن‌هاست و این‌که این واژگان تکراری نباشند.

با توجه به این‌که کتاب *دروس تمهیدیه القواعد الفقهیه* نیز از یک سو، از دروس تخصصی است و از طرف دیگر مرتبط با علوم دیگری مانند اصول فقه، فقه، حدیث و رجال، منطق و فلسفه است و به این امر مهم که در هر درس، واژگان خاص جداسازی شود، توجه کرده است. اگرچه در برخی موارد، مصطلحات غیرتخصصی نیز آورده شده است که این موجب ضعف این قسمت شده است؛ چنانچه در جلد اول درس ۳ اصطلاح «الفریضه» و «ناسی»، درس ۱۱ «اختلال النظام»، درس ۱۹ «حدیث المنع من فضل الماء»، درس ۲۷ «حدیث النفی»، درس ۳۲ «الامتنان» جلد دوم درس ۹ «البالوعه»، درس ۲۰ «الدعا»، درس ۲۱ «الایکال»، درس ۲۴ «اتباع سائر الادیان»، درس ۲۷ «بالجمله»، «فی الجمله»، درس ۲۹ «الکنایه». مضاف بر آن‌که ویژگی چهارم که در مصطلحات ذکر شد، در این کتاب اصلاً رعایت نشده و در هر درس، برخی واژگان تکراری هستند. از آن‌جا که این کتاب، در سطح شناخت است و فراگیر قبلاً در مقطع کارشناسی یا سطح دو، با تعریف این اصطلاحات آشنا شده است، ضرورتی به تعریف این مصطلحات در این کتاب وجود ندارد.



نمودار ۳ مدل مرحله‌ای ارزیابی طراحی آموزشی کتاب *دروس تمهیدیه فی القواعد الفقهیه*

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های تحلیل کیفی محتوای کتاب درسی *دروس تمهیدیه فی القواعد الفقهیه* باقر ایروانی بیانگر آن است که در ارزیابی علمی ـ تألیفی دارای امتیازات و ارزش افزوده خاصی است؛ بیان ساده و روان، اتقان و انسجام محتوا، نگاه تحلیلی به ادلهٔ فقها و نقض و ابرام آن‌ها، توجه به اقوال فقهای معاصر، توجه به علوم مرتبط با درس، تناسب با توان ذهنی فراگیران و توجه به نیازهای آن‌ها، چگالی و اعتبار مفاهیم درسی. هرچند در برخی از مقولات، کاستی هایی نیز وجود دارد؛ عدم ذکر صاحبان اقوال در برخی موارد و همچنین منابع مربوطه، عدم تناسب با زندگی واقعی یادگیرندگان و همچنین عدم جامعیت و ارجاع‌دهی به مواد قانونی.

در ارزیابی طراحی آموزشی نیز، با توجه به آن‌که در این کتاب، سعی شده است منطبق با غالب الگوها و معیارهای طراحی آموزشی باشد، ولی در بخشی از موارد، ضعیف عمل کرده و فاقد استانداردهای لازم است؛ اعم از بخش مقدمات کتاب؛ در مقدمه و فهرست مطالب؛ بخش پیکرهٔ درس؛ در اهداف رفتاری و پیش‌سازمان‌دهنده؛ بخش فنون پایانی، در خلاصه و جدول‌های مفهومی به‌جهت رعایت اختصار و فشردگی مطالب قابل‌توجه بوده است، اما در سؤالات اعم از میان‌متنی و پایانی این کتاب بسیار ضعیف عمل کرده است. قسمت معرفی منابع بیشتر و مصطلحات نیز دارای اشکالاتی بودند. بنابراین برآیند این تحقیق آن است که این کتاب، برای تبدیل به یک کتاب تکنیکال و استاندارد درسی، هم از لحاظ علمی ـ تألیفی و هم طراحی آموزشی نیاز به بازنگری و بازبینی تدوینی جدی دارد.

منابع

ایروانی، ب. (۱۳۹۷). *دروس تمهیدیه فی القواعد الفقهیه*. ج۱ و ۲. قم: هاجر.

ایمان، م.ت. (۱۳۸۹). *مبانی پارادایمی روش‌های تحقیق کمّی و کیفی در علوم انسانی*. تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

ایمان، م.ت.، و نوشادی، م.ر. (۱۳۹۰). تحلیل محتوای کیفی. *عیار پژوهش*، ۲، ۴۴ـ۱۵.

اسماعیلی، م. (۱۳۹۶). *تحریر القواعد الفقهیه*. تهران: حریر.

امیر آتشانی، ز.، و رسولی، م. (۱۳۹۳). *تحلیل محتوا با رویکرد کتب درسی*. تهران: جامعه‌شناسان.

بجنوردی، ح. (۱۴۲۷). *القواعد الفقهیه*. ج۱. قم: الهادی.

بلوم، ب. و انگهارت، م. (۱۳۷۴). *طبقه‌بندی هدف‌های پرورشی*. ترجمهٔ ع.ا. سیف و خ. علی‌آبادی. تهران: رشد.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

پاکپور، ی. (۱۳۹۰). *زمینهٔ تکنولوژی آموزشی: چشم‌اندازها، نظریه و عمل*. تهران: دیدار.

تقی‌پور، ع. (۱۳۹۰). *برنامه‌ریزی آموزشی*. تهران: آگاه.

حبیبی، ر.، حق‌شناس، ح.ر. (۱۳۹۷). *شیوه‌نامهٔ تألیف و تدوین کتاب درسی*. قم: هاجر.

حبیبی، ر. (۱۳۹۰). *برنامه‌ریزی درسی*. قم: مرکز مدیریت حوزهٔ علمیهٔ قم.

حسین‌زاده، خ.، موسوی، ا.، و حبیبی، ر. (۱۳۹۹). نقد و تحلیل محتوایی کتاب درسی روش تفسیر قرآن. *پژوهش‌نامهٔ انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، ۵، ۹۷ـ ۱۲۶.

رنجبر، ه.، حق دوست، ع. ا، صلصائی، م.، خوشدل، ع.ر، سلیمانی، م.ع و بهرامی، ن.، (۱۳۹۱). نمونه‌گیری در پژوهش‌های کیفی؛ راهنمایی برای شروع. *فصلنامهٔ علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی ارتش جمهوری اسلامی ایران*، ۳، ۲۳۸ـ ۲۵۰.

جعفری هرندی، ر.، نصر، ا.ر.، و میرشاه جعفری، ا. (۱۳۸۷). تحلیل محتوا روشی پرکاربرد در مطالعات علوم اجتماعی. *حوزه و دانشگاه*، ۵۵، ۳۳ـ ۵۸.

زبیدی، م. (بی‌تا). *تاج العروس*. ج ۱. بی‌جا: الهلال.

سیف، ع.ا. (۱۳۸۶). *روان‌شناسی پرورشی نوین*. تهران: دوران.

عظیمی، ح. (۱۳۹۴). مبنایی برای مبانی قوانین مدنی. *نقد کتاب فقه و حقوق*، ۱، ۱۳۷ـ ۱۴۳.

فخری، ز.، و زاهدی، س. (۱۳۹۴). تحلیل ساختار عاملی سیاههٔ راهبردهای یادگیری و مطالعه در دانشجویان. *دوفصلنامهٔ علمی پژوهشی دانشگاه شاهد*، ۶، ۶۷ـ ۸۲

فراهیدی، خ. (بی‌تا). *العین*. ج ۴. بی‌جا: الهلال.

فتحی واجارگاه، ک. (۱۳۹۵). *اصول برنامه و مفاهیم اساسی برنامهٔ درسی*. تهران: نی.

فرمهینی فراهانی، م. (۱۳۷۸). *فرهنگ توصیفی علوم تربیتی*. تهران: اسرار دانش.

گروه مولفان (۱۳۹۶). *روش‌ها و فنون تدریس*. قم: هاجر.

ملکی، ح. (۱۳۸۴). *صلاحیت‌های حرفهٔ استادی*. تهران: مدرسه.

مؤمنی راد، ا.، علی‌آبادی، خ.، فردانش، ه.، و مزینی، ن. (۱۳۹۲). تحلیل محتوای کیفی در آیین پژوهش: ماهیت، مراحل و اعتبار نتایج. *فصلنامهٔ اندازه‌گیری تربیتی*، ۱۴، ۱۸۷ـ ۲۲۲.

مشایخ، ف. (۱۳۹۳). *دیدگاه‌های نو در برنامه‌ریزی آموزشی*. تهران: سمت.

محقق داماد، م. (۱۳۹۳). *قواعد فقه*. قم: علوم اسلامی.

محقق داماد، م.، و علوی، ر. (۱۳۹۶). کاربرد قواعد فقه قضائی در حقوق خانواده در بوتهٔ نقد. *فصلنامه علمی و پژوهشی نقد کتاب فقه و حقوق*، ۹ و ۱۰، ۴۹ـ ۶۰.

نوریان، م. (۱۳۹۳). روش‌های ارزیابی کتاب‌های درسی دانشگاهی، مزایا و محدودیت‌ها. *پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی*، ۳۳، ۱ـ ۱۷.

ویسی مولوی، م. (۱۳۹۴). نگاهی دوباره به قواعد فقهی با تکیه بر کتاب قواعد فقه مذهب شافعی. *نقد کتاب فقه و حقوق*، ۱، ۱۶۷ـ۱۷۲.

Reigeluth,C.M., and Carr-chellman, A.A. (2009). Instructional – design theories and models: Building common knowledge base, New York: tylor and francis, Inc.

Archive of SID.ir